

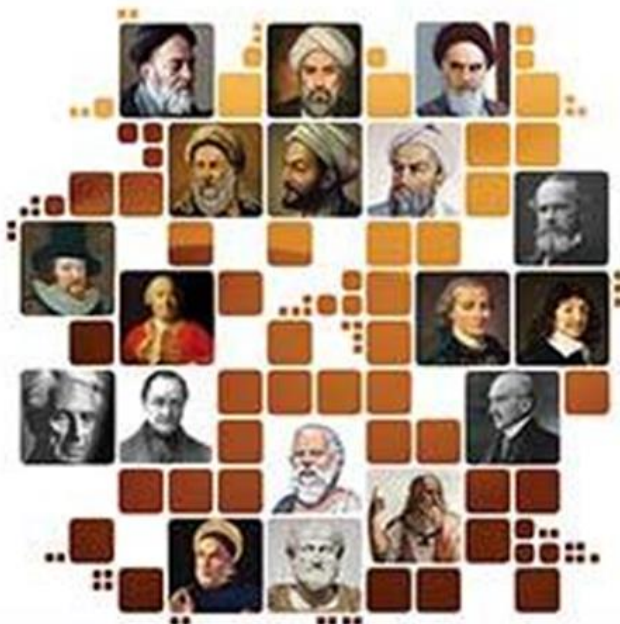
الحمد لله
والصلاة والسلام
على محمد وآل محمد



اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

فلسفه (۲)

پایه نهم
تیم آموزشی
استاد و علوم انسانی
طرح درس و معارف اسلامی
۱۱۳۳۶



تهیه و تنظیم :

حیدر جلالی

دبیر منطق و فلسفه

شهرستان دشت آزادگان



headerjalaly@yahoo.com ۰۹۱۶۶۰۱۴۰۸۵

سوم

نگاهی اجمالی

به سیر فلسفه

در جهان اسلام

بخش

حیدر جلالی

headerjalaly@yahoo.com

۰۹۱۶۶۰۱۴۰۸۵



حیدر جلالی

headerjalaly@yahoo.com ۰۹۱۶۶۰۱۴۰۸۵

زندگی و آثار ابن سینا



طبیعت شناسی ابن سینا



زندگی و روش فلسفی سهروردی



دسته بندی جویندگان معرفت



اشراق نور



شیخ الرئیس

فلسفه

□ حسین بن عبدالله بن سینا

□ از داناترین و پرآوازه ترین حکما و دانشمندان ایرانی

□ از مشاهیر علم و حکمت در سراسر جهان

□ در مشرق زمین مشهور به «ابن سینا» و «ابوعلی سینا»

□ در مشرق زمین ملقب به «شیخ الرئیس» و «حجه الحق»

□ در اروپا نامیده می شود به «اویسن» و «اویسنا» و

«شاهزاده اطبا»

□ تولد: ۳۷۰ هجری در یکی از روستاهای بخارا

□ ابن سینا در زندگی نامه ای که برای شاگرد وفادار

خود، ابو عبید جوزجانی، نگاشته مراحل رشد علمی

و فلسفی خود را توضیح داده است.

□ در زندگی نامه می گوید: پدر ابن سینا وی را در

همان کودکی به معلم قرآن و ادب می سپارد و او

چنان در آموختن قرآن و ادب پیش می رود که مردم

از میزان دانشش در ۱۰ سالگی تعجب می کرده اند.

□ ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگرد ابو عبدالله

ناقلی بود اما به سرعت بر معلم خویش پیشی

گرفت؛ به گونه ای که قسمت های دشوار کتاب را

برای او روشن می کرد.

□ ابن سینا می گوید: « علم طب از علوم دشوار نیست و من پس از مدت کوتاهی در آن مهارت یافتم ... با این همه، از مناظره در علم فقه و آموختن آن فارغ نبودم. در آن زمان، شانزده سال از عمر من گذشته بود. پس، مدت یک سال و نیم دیگر نیز با جدیت به مطالعه پرداختم و بار دیگر منطق و سایر اجزاء فلسفه را دوره کردم. در این مدت، روزها و شب ها را به مطالعه و طلب علم می گذراندم. هنگام مطالعه، هر مطلبی به نظرم می آمد، مقدمات آن را می نوشتم، در آن نظر می کردم و شروط آن را منظور می داشتم تا آنکه حقیقت آن بر من معلوم می شد.

□ اگر در مسئله ای حیران می ماندم و بر حدّ وسط قیاس آن راه نمی بردم، به مسجد جامع می رفتم و نماز می گزاردم و نزد مُبدِعِ کل، زاری و تضرّع می کردم تا آنکه بر من آشکار می گردید و شب به خانه برمی گشتم و به قرائت و کتابت مشغول می شدم و چون خواب بر من غلبه می کرد یا ضعیفی در خود مشاهده می کردم، تجدید قوا می کردم و باز به قرائت مشغول می شدم و بسیار بود که در خواب همان مسائل بر من مکشوف می شد.»

□ ابن سینا، فلسفه مشائی

روشن فلسفی
ابن سینا

□ عقلی و استدلالی.

را به صورت مدون و نظام مند

□ ابن سینا، روش عقلی و

استدلالی را که

ارسطو پایه گذاری کرد و

بعدها وارد جهان

اسلام شد، به اوج رساند.

ارائه کرد.

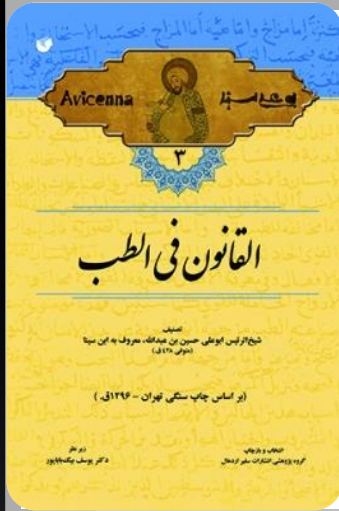
فلسفه مشائی

□ نوعی فرهنگ نامه پزشکی .

□ از معروف ترین آثار ابن سینا

□ ترجمه شده به زبان های

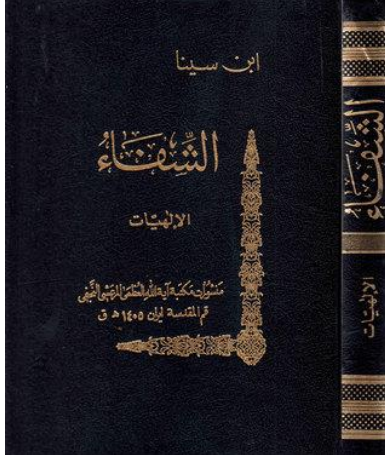
قانون



لاتین، انگلیسی، فرانسه و آلمانی



شفا



□ دایره المعارف عظیم علمی و فلسفی

□ مشتمل بر موضوعاتی چون منطق،

ریاضی، علوم طبیعی و الهی است.

□ قسمت الیهیات شفا (دربدارنده فلسفه ابن سینا) کامل ترین مرجع حکمت مشائی است.

□ هم اکنون در حوزه های علمی و مراکز دانشگاهی

از مهم ترین کتب فلسفی به حساب می آید.

□ شکل مختصر کتاب شفا



□ ترجمہ شدہ بہ بیشتر

زبان های زنده دنیا



آخرین دیدگاه های

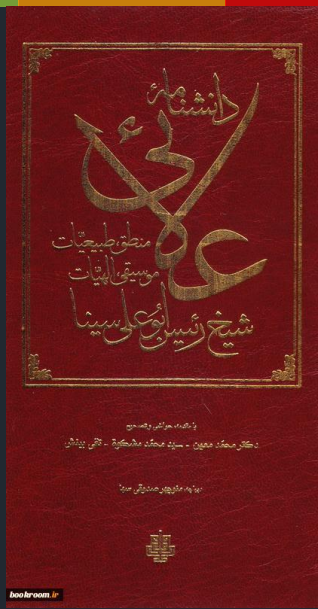
ابن سینا در حکمت

(فلسفه)

اشارات و تنبیهات

دانشنامه

علائی



□ به زبان پارسی است.

□ ابواب مختلف حکمت

در آن مندرج است.

□ در اصفهان و برای علاء الدوله

حاکم آن شهر نوشته شده است.

انصاف

□ دارای بیست جزء
□ شامل ۲۸ هزار مسئله

□ تنها چند جزء آن

باقی مانده است.

□ در حمله غزنویان

به اصفهان به غارت رفته

هریک از آثار باقی مانده از ابن سینا که به عنوان دایره المعارف علمی و فلسفی،

فرهنگ نامه پزشکی، ابواب مختلف حکمت و آخرین دیدگاه های فلسفی به جای مانده

به ترتیب کدام است ؟

(۱) قانون – شفا – اشارات و تنبیهاات – دانشنامه علائی

(۲) شفا – قانون – اشارات و تنبیهاات – دانشنامه علائی

(۳) قانون – شفا – دانشنامه علائی – اشارات و تنبیهاات

(۴) شفا – قانون – دانشنامه علائی – اشارات و تنبیهاات

گزینه ۴



طبیعت

مرتبه ای از هستی است.

طبیعت شناسی ابن سینا

این مقصد در

ذات عالم طبیعت است.

رو به

مقصدی خاص دارد.

□ اجزاء این عالم، هر کدام **طبع و ذات**

خاصی دارند و خود این **عالم** نیز به

عنوان یک « **کل** » **طبع و ذاتی** دارد که

منشأ و مبدأ حرکات و تحولات آن است.



□ **خداوند، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزاء آن چنان ترکیب و تألیف**

شده اند که **بهترین نظام ممکن، یعنی نظام احسن،** را تحقق می بخشند.



□ به نظر ابن سینا **طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال** مطلوبش سوق می دهد؛ به شرط اینکه **مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد.**

□ آنچه **ظاهراً شر و بدی** به نظر می رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی مثل سیل و زلزله، همگی در **یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند** و به **کمال نهایی طبیعت** کمک می کنند.

□ به همین جهت، با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی توان درباره آن داوری کلی کرد؛ مثلاً

زرد شدن برگ های سبز درختان در پاییز برای کسی که فقط پاییز را می بیند، حادثه ای ناگوار تلقی می شود

اما کسی که ۴ فصل را مشاهده می کند، می داند که پاییز نقش ویژه خود را در اعتدال طبیعت ایفا می کند.



با توجه به طبیعت شناسی ابن سینا کدام عبارت نادرست است ؟

(۱) شرور و نقایص طبیعی زمینه ساز خیر و کمال بیشتر در طبیعت هستند.

(۲) هر موجودی با توجه به طبیعت خود ضرورتاً به کمال می رسد.

(۳) در هر پدیده طبیعی می توان حکمت بالغه الهی را مشاهده کرد.

(۴) موجودات را فقط در ربط آنها با مبدأشان واقعا می توان شناخت.

به اعتقاد شیخ الرئیس، خداوند، عالم طبیعت را با ... خود پدید آورده و

همه اجزاء آن چنان ترکیب و تألیف شده که نظام... را تحقق بخشیده است.

(۲) لطف و عنایت – اتقن

(۱) لطف و عنایت – احسن

(۴) شمول علم – اتقن

(۳) شمول علم – احسن

□ ابن سینا از ما می خواهد که علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، برای کشف ویژگی ها و روابط پدیده های آن (که به شکل گیری علوم طبیعی منجر می شود) در رابطه وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هستی تأمل کنیم.

□ شیخ الرئیس می گوید: آیا می دانی پادشاه کیست؟ پادشاه راستین آن توانگر و بی نیاز مطلق است که هیچ چیز در هیچ چیز از او بی نیاز نیست. ذات هر چیزی از اوست؛ زیرا ذات هر چیز یا از او پدید آمده یا از چیزی پدید آمده که خود آن چیز را خداوند به وجود آورده است. پس، همه چیزهای دیگر بنده و مملوک اوست و او به هیچ چیز محتاج نیست.»

□ از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند؛ آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق وا می دارد و مصداق آیه شریفه «انما یخشى الله من عباده العلماء» – تنها بندگان عالم خداوند خشیت او را به دل دارند – می سازد.

شیخ شهاب الدین سهروردی (حکیم اشراقی)

- از برجسته ترین چهره های حکمت اسلامی و فرهنگ ایران زمین
- در سال ۵۴۹ هجری قمری در قریه سهرورد زنجان دیده به جهان گشود.
- تحصیل خود را در مراغه آغاز کرد.
- پس از آن، به اصفهان رفت و با اندیشه های ابن سینا آشنایی کامل یافت.
- سپس، عزم سفر کرد و سفرهای خود را با سلوک معنوی و عرفانی درآمیخت و به مجاهدت با نفس مشغول شد.
- سهروردی اغلب ایام سال روزه داشت و در خلوت خود به ذکر و عبادت مشغول بود تا آنکه به مقامات عالی عرفان و برترین درجات حکمت نائل شد.

□ سهروردی ، مهم ترین کتاب خود « حکمه الاشراق » را نوشت و مکتبی جدید را در فلسفه اسلامی ارائه کرد.

□ سهروردی در کتاب حکمه الاشراق از شیوه مشائیان فراتر رفت و حکمت اشراقی را پایه گذاری کرد.

□ روش فلسفی شیخ اشراق به ابن سینا احترام می گذاشت و از او سپاسگزاری می کرد.

□ سهروردی می کوشید حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود قلبی به کمال رساند.

□ سهروردی با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی « حکمه الاشراق » را پایه گذاری کرد.

روش حکمت اشراق



[حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنها به نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا



نمی کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی همراه می سازد.

[فیلسوف اشراقی می کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده،

با شهود قلبی و تجربه درونی دریابد و به ذائقه دل برساند و آنچه را از طریق شهود

کسب کرده است ، با استدلال و برهان به دیگران تعمیم دهد.

[فلسفی به شیوه استدلالی محض و بدون رسیدن به قلب بی نتیجه است و

سیر و سلوک روحانی و قلبی بدون تربیت عقلانی گمراه کننده می باشد.

دسته بندی جویندگان معرفت

۱



آنان که تازه

عطش و شوق معرفت

یافته اند و جویای

آن هستند.

۲



در فلسفه استدلالی

به کمال رسیده اند

از ذوق و عرفان

بهره ای ندارند.

۳



به طریقه برهان و

فلسفه استدلالی

توجهی ندارند.

فقط تصفیه نفسی

می کنند و به شهودهایی

دست یافته اند.

۴



هم در صور برهانی به کمال

رسیده اند

و هم به اشراق و عرفان

دست یافته اند.

اینان حکیم متأله اند

بهترین دسته هستند.

برجسته ترین چهره های حکمت اسلامی و فرهنگ ایران زمین ... است، که به مقامات

عالی عرفان و برترین درجات حکمت نائل شد. و نزد او « حکیم متاله » کسی است که

(۱) شهاب الدین سهروردی – در صور برهانی به حد کمال رسیده و به عرفان دست یافته است.

(۲) ابن سینا – در صور برهانی به حد کمال رسیده و به عرفان دست یافته است.

(۳) شهاب الدین سهروردی – عطش و شوق دست یابی به معرفت چراغ راه پرتلاش او است.

(۴) ابن سینا – عطش و شوق دست یابی به معرفت چراغ راه پرتلاش او است.

در مورد حکمت اشراق کدام عبارت صحیح نیست؟

(۱) فیلسوف اشراقی، تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض را بی حاصل می داند.

(۲) حکمت اشراق ، بحث از وجود است ولی استدلال را با سیر و سلوک همراه می سازد.

(۳) کوشش فیلسوف اشراقی بر آن است که هر چه را بر پایه عقل استوار می سازد به ذائقه دل

نیز بسپارد.

(۴) در مقایسه با تصوف ، این به برهان چندان بها نمی دهد و آن از عقل فراتر نمی رود .

نظر شیخ اشراق حکیم متاله

□ « هرگاه اتفاق افتد که در زمانی حکیمی غرق در تأله بوده و در بحث استاد باشد، او را ریاست تامه بوده و خلیفه و جانشین خدا اوست.

□ جهان هیچ گاه از حکیمی که چنین باشد، خالی نیست زیرا برای مقام خلافت ضروری است که امور و حقایق را بی واسطه، از حق تعالی دریافت کند.

□ مراد سهروردی از ریاست تامه، ریاست از راه قهر و غلبه نیست بلکه گاه باشد که امام تأله در ظاهر حاکم باشد و گاه به طور نهایی او ریاست تامه، اگرچه در نهایت گمنامی باشد. و چون ریاست واقعی جهان به دست او افتد، زمان وی بس نورانی و درخشان شود و هرگاه جهان از تدبیر حکیمی الهی تهی ماند، ظلمت و تاریکی بر آن سایه افکند»

A central white circle with a black border contains the title 'اشراق نور' in yellow. Four colorful arrows (blue, green, orange, red) point from the circle towards the right. Each arrow has a white icon: a book, a stack of papers, a quill pen, and a calendar. Above the blue arrow is a small horizontal row of five colored dots (blue, green, yellow, orange, red).

اشراق نور

شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را نور محض می داند و او را «نور الانوار» می نامد.

اشیاء از تابش و پرتو نور الانوار پدید آمده اند.

هر واقعیتی «نور» است اما نه نور مطلق، بلکه درجه ای است از نور.

تفاوت موجودات در شدت و ضعف نورانیت آنهاست.

با توجه به دیدگاه های شیخ اشراق ، تفاوت اصلی موجودات در

چیست؟

(۲) نورانیت یا ظلمات

(۱) مادی یا مجرد بودن

(۴) استقلال یا وابستگی وجودی

(۳) شدت و ضعف نورانیت



منظور سه‌رودی از نور کدام است؟

(۱) هستی مطلق

(۲) حقایق مجردة

(۳) واقعیت اشیاء

(۴) ذات باریتعالی

گزینه ۳

اشراق نور نزد سهروردی

□ **ذات نخستین، نور مطلق، یعنی خدا پیوسته نور افشانی (اشراق) می کند و بدین**

ترتیب، متجلی می شود و همه چیزها را به وجود می آورد و با اشعه خود به آنها

حیات می بخشد.

□ **همه چیز در این جهان پرتوی از نور ذات خداست و هر زیبایی و کمالی، موهبتی**

از رحمت اوست .

□ **رستگاری، عبارت از وصول کامل به این روشنی است.**

جغرافیای عرفانی سهروردی

در فلسفه شیخ اشراق، مشرق و مغرب، معنای زمینی خود را ندارند بلکه در جغرافیای عرفانی، معنایی ویژه پیدا می کنند.

مشرق جهان

نور محض یا محل فرشتگان

مقرب است که به دلیل تجرد از

ماده، برای موجودات خاکی

قابل مشاهده نیست.

مغرب وسطی

در میان مشرق محض و

مغرب کامل، قرار دارد

که در آن نور و ظلمت

به هم آمیخته اند.

مغرب کامل

جهان تاریکی یا

عالم ماده

است که

بهره ای از نور ندارد

جغرافیای عرفانی سهروردی، مراد از «مشرق»، «مغرب کامل» و «مغرب وسطی»

به ترتیب کدام است؟

(۱) جهان فرشتگان – عالم مثال – آمیختگی نور و ظلمت.

(۲) جهان مجردات – عالم مثال – عالم ماده .

(۳) جهان نور محض – عالم افلاک – عالم ماده .

(۴) جهان فرشتگان مجرد – عالم ماده – آمیختگی نور و ظلمت

گزینه ۴



از توجه شما

باتشکر

حیدر جلالی

۰۹۱۶۶۰۱۴۰۸۵